

مطبوعات خارجی

«مصرف فزاینده نفت در چین»

چین بزودی از نظر مصرف نفت به پای آمریکا خواهد رسید و اکنون آمریکا بیش از هر چیز بدان نیاز دارد که نیرومندانتر بر راهها و منابع تأمین نفت (از دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر، به یک اندازه) فرمانروایی کند از این رو حمله به افغانستان و بهره‌برداری از جمهوریهای مستقل از شوروی، همچون خیزگاهی می‌تواند سلطه آمریکا را بر یک قوس استراتژیک که از خلیج فارس شروع و به حوزه‌های شمال ختم می‌شود، تأمین کند.

منبع الحیات محل نشر
انگلیس - ۲۳ سپتامبر
۱ مهر ۱۳۸۰

«برنامه رضا پهلوی»

رضا پهلوی طی مقاله‌ای در «واشنگتن تایمز» مورخ ۷ اکتبر - ۱۵ مهر خطاب به سردمداران آمریکا می‌نویسد:

الف - مبادا تصور شود که آقای خاتمی دوستدار غرب است بلکه درجه خصومت او کمتر است. همه جناحهای حاکمیت ایران تروریست هستند و شاهد آن اینکه اخیراً کنفرانسی در حمایت انتفاضه فلسطین برگزار کردند و همه جناحهای تندرو منطقه در آنجا حضور داشتند.

ب- مبادا تصور شود که مواضع اخیر خاتمی، از تضاد بین اصلاح‌طلبان و محافظه‌کاران حکایت می‌کند بلکه نیروی سومی «بنام جنبش تازه‌پا گرفته مردمی به صحنه مبارزه با حاکمیت پا گذاشته است. این نیرو ۵۰ میلیون جوان از جمعیت هفتاد میلیونی ایران است. آنها مذبحخانه درصدد یافتن، شغل، مسکن، تعلیم و تربیت، بهداشت و فرصتهای اقتصادی هستند و کلیدگذار به تأخیر افتاده ایران از استبداد به آزادی ناسوتی (سکولاریسم) را در اختیار دارند.

ج- حادثه ۱۱ سپتامبر و قاطعیتی که آمریکا برای پیشبرد مبارزه به منظور ریشه‌کن کردن تروریسم به صراحت نشان داد، فرصت طلایی

پدید آورد که ابتکار سیاست تازه‌ای پیرامون برقراری رابطه سیاسی محتاطانه با نسل جدید ایران را در دست بگیریم.

د- رویکردی چندجانبه و چند مرحله در مورد تحریمها علیه ایران:

- فروش محصولات کشاورزی و دارو و کامپیوترهای شخصی و نرم‌افزار به ایران
- اجازه فعالیت به شرکتهای نفتی آمریکایی در ایران

ه- نباید خطای سال ۱۹۹۱ در مورد عراق تکرار شود بلکه باید حمایت از مردم منطقه تا حصول نتیجه کامل ادامه یابد.

عوامل زمینه‌ساز اقدامات یازده

سپتامبر

در پی وقوع اقدام تروریستی در آمریکا رسانه‌های دنیا به حدس و گمان در مورد عاملین این اقدام ضدانسانی پرداختند. در همین زمینه روزنامه انگلیسی زبان الحیات به عوامل زمینه‌ساز این اقدام اشاره می‌کند و هفت مورد را نام برده است که عبارتند از:

۱- سیاست خارجی آمریکا، که از اسرائیل در برابر مسلمانان حمایت می‌کند.

۲- اسرائیل که هر روز با حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا جرایم متعددی را مرتکب می‌شود.

۳- یهودیان آمریکا، که دارائی و نفوذشان را در حمایت کورکورانه آمریکا از اسرائیل بکار می‌گیرند.

۴- تمام دستگاه اطلاعاتی که در این امر کوتاهی کردند. سیا - اف بی آی -

۵- علمای مسلمان، که هیچگاه سعی نکردند به یک میلیارد مسلمان بفهمانند که تروریستهایی چون بن‌لادن، نماینده اسلام حنیف نیستند.

۶- فلسطینیها یا آن عده‌ای که در حل مسایل موفق نبودند. از جمال عبدالناصر گرفته تا صدام حسین

۷- رژیم‌های عربی که برخی از آنها به واقع

با دموکراسی فاصله زیادی دارند و با ایجاد اختناق در بوجود آمدن تروریستها مؤثر بودند.

الحیات - ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱

۲۴ شهریور ۱۳۸۰

نقاط مشترک سیاست خارجی ایران و

آمریکا

فایننشال تایمز در ۱۴ سپتامبر (۲۳

شهریور) می‌نویسد:

ایران و آمریکا در سیاستهای خارجی خود دارای نقاط مشترکی هستند از جمله نسبت به افغانستان و عراق، هر دو با رژیم طالبان مخالف هستند و از تأثیر افزایش پناهندگان، گسترش مواد مخدر و نفوذ بن‌لادن در منطقه نگران هستند.

ضمناً تهران و واشنگتن در مورد نیاز به کنترل و مهار صدام حسین - رهبر عراق - با هم توافق دارند.

«آمریکا نمی‌تواند بر روی متحدین

خود حساب کند»

برخلاف جنگ خلیج فارس، آمریکا علیه ایران نمی‌تواند بر روی متحدین خود حساب کند. سوریه، که آن موقع از متحدین بود، متهم به حمایت از تروریسم شده است.

ایران، رقیب عراق آن زمان، اکنون یکی از کشورهای حامی تروریسم است.

پاکستان نیز که مجهز به سلاحهای اتمی است، یکی از منابع مالی و نیروی انسانی بن‌لادن طراح و عامل اصلی اعمال تروریستی است.

در ضمن عربستان که سالهاست (از جمله در جنگ خلیج فارس) میزبان نیروهای آمریکایی بود، اخیراً از موضعگیریهای ضدصلح آمریکا بین اسرائیل و فلسطین بی‌طاقت شده و از رابطه با آمریکا خسته شده است.

نقل از واشنگتن پست ۱۲ سپتامبر

۲۱ شهریور ۱۳۸۰

«دستاوردهای بهبود رابطه ایران و

آمریکا برای دو کشور»

روزنامه «تایم» در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۰۱ مصادف با ۱۶ مهر طی مقاله‌ای با عنوان «شانس درمی‌زند» می‌نویسد: برای ایران، حمایت از یک ائتلاف ضد تروریستی می‌تواند باعث لغو تحریمها و آزادسازی داراییهای مسدود شده گردد. در مقابل، واشنگتن می‌تواند انتظار داشته باشد که الف: ایران اطلاعات باارزشی در مورد طالبان در اختیار آمریکا بگذارد ب: از حمایت گروههای افراطی مانند حماس و حزب... دست بردارد ج: از قدرت معنوی آقای خاتمی در جهان اسلام استفاده کند و واکنشهای ضدغرب را بعد از حملات نظامی به افغانستان کاهش دهد.

«خط جدایی بن‌لادن و طالبان»

خط جدایی و فرق گذاشتن بین طالبان و بن‌لادن که توسط پاکستان مطرح می‌شود. از طرف ایران رد شده است. یکی از کارشناسان غربی در روزنامه تایم ۸ اکتبر می‌نویسد.

مسئولین ایران معتقدند که طالبان و بن‌لادن هر دو یکی هستند سعی نکنید بین آنها فرقی قایل شوید. این یک جنگ علیه افراطگرایی است. اگر در این عملیات ناکام شوید، آنها تبدیل به قهرمان خواهند شد و کار از قبل نیز مشکل تر خواهد شد، بنابراین مانند مورد عراق کار را نیمه کاره رها نکنید.

واشنگتن پست در شماره ۶ اکتبر-

۱۴ مهر خودمی نویسد:

در پشت درهای بسته ، ایران بن لادن رامقصر می‌داند. جان وارد اندرسون ، نویسنده مقاله می‌نویسد: ایرانی‌ها حق مجازات افرادی را که عامل این جنایت هستند می‌پذیرند در این مورد صراحت دارند و معتقدند که بن‌لادن در این جنایت دست داشته ، اما به طور علنی ابراز نخواهد کرد ولی حمله آمریکا رابه مردم افغانستان محکوم می‌کنند.

وی سپس می‌نویسد: طبق نظر تحلیل گران ظهور بحران تروریسم به ایران این فرصت رامی‌دهد که با اعتماد به نفس فزاینده خود روابط خود رابا کشورهای اسلامی واروایی بهبود بخشند. ایران نقش مهمی در جهان دارد و دیگر

کشورها به مواضع آن اعتنا دارند و این نقش این کشور را (ایران را) به عنوان قهرمان اسلام ، مخالف آمریکا ، طرفدار استقلال منطقه‌ای و حاکمیت ملی و نیروی پیاده نظام علیه اسرائیل برجسته ترمی‌کند.

چه کسی از حوادث اخیر بیشتر

سود برد

آقای آلکسی مالاشنکو در روزنامه نزاویسمیا شایعات موجود درباره عوامل واقعه ۱۱ سپتامبر را رد کرده و می‌نویسد، جرج بوش بیشترین سود را از این حوادث نصیب خود کرد. جرج بوش تا قبل از حادثه در میان جامعه چندان محبوبیتی نداشت و نیازمند وجود یک دشمن مشخص بود، تا بی‌درنگ بر وی چیره شود.

جرج بوش توانست «چک سفید» بسیار خطرناکی از کنگره دریافت کند. دو برابر هزینه‌های نظامی که از کنگره تقاضا کرده بود دریافت کرد و از طرفی اختیارات تامه مطلقه‌ای برای کنترل رسانه‌ها و ارتباطات گرفت. جهت اقدامات نظامی هم قدرت تامه به وی محول شد. مسائلی که طی دهه‌های اخیر بی‌سابقه بوده و فقط در جنگ خلیج فارس در مقیاس بسیار ضعیف تری کلینتون هم برخی از این اختیارات را از کنگره گرفت.

اسرائیل نیز از اوضاع آشفته برای سرکوب و به خون کشیدن فلسطینیان بهره کافی برد و همزمان با تمرکز مردم و رسانه‌های جهان بر روی نیویورک به یورشهای بیرحمانه خود ادامه داد. و طرحهایی که با مخالفت کنگره مواجه شده بود به اجرا گذاشت. برآستی چه کسی غیر از صاحبخانه کلید اتاقهای منزل را داشت؟ جز صهیونیزم.

صهیونیسم افکار عمومی مردم آمریکا را علیه اعراب و مسلمانان شورانید و خود با خیالی آسوده به اشغال شهرهای تحت کنترل تشکیلات خودگردان فلسطین پرداخت.

توقعات آمریکا از سکولاریسم سیاسی

در ایران

روزنامه واشنگتن تایمز طی مقاله‌ای به تاریخ ۱۸ شهریور به ضرورت تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران می‌پردازد و می‌نویسد:

آمریکا نباید تمام فعالیت خود را صرف رابطه با «میان‌رو»ها در درون نظام سازد بلکه باید بر روی مردم ایران و امید آنها برای انتقال غیرخسونت‌آمیز به سوی یک جامعه مردم‌سالارتر سرمایه‌گذاری کند. واشنگتن باید یک سیاست مشارکت و همکاری با نیروهایی در درون نظام ایران، که هدف نهایی آن سکولاریسم سیاسی و آزادیهای فردی، حقوق بشر در چهارچوب شاخصهای هویت اسلامی خود است، مورد بررسی قرار دهد. پیامدهای ژئوپولیتیکی یک حکومت مردم سالار غیرمذهبی برای آمریکا بسیار زیاد است. از جمله: ۱- ایران از شراکت راهبردی با روسیه جدا خواهد شد. ۲- حزب...، جهاد اسلامی، و حماس از حمایت‌های مالی نامحدود ایران برخوردار نخواهند شد. ۳- دوستی تاریخی ایرانیها و یهودیان منجر به رسمیت شناختن اسرائیل خواهد شد. ۴- ایران دیگر متحدان غرب در منطقه را نمی‌ترساند ۵- مفرد دیگری برای صادرات نفت و گاز از دریای خزر وجود خواهد آمد. ۶- الگوی حکومت اسلامی ایران در منطقه از بین خواهد رفت.

نویسنده یادآور می‌شود اکنون بهترین فرصت برای آمریکاست که برخی تحریمها را که می‌تواند به مردم ایران کمک کند کاهش دهد. مانند صدور مجوز فروش تکنولوژی پزشکی- کمک به دسترسی بیشتر جوانان به کامپیوترهای شخصی برای آگاهی از دنیای ماورای دیکتاتوری مذهبی- فروش هواپیماهای غیرنظامی و برای همدردی بیشتر با مردم ایران جلوگیری از انگشت‌نگاری هنگام ورود به آمریکا.

«ISI» یا سازمان پلیس مخفی

پاکستان

تحلیل راهبردی پاکستان بدون تحلیل ارتش پاکستان و تحلیل ارتش نیز بدون تحلیل ISI ممکن نیست. گفتنی است ژنرال احمد محمود فرمانده این سازمان با کودتای خود نوازشریف را به زندان و مشرف را به قدرت رساند. اما مشرف پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در آمریکا احمد را کنار گذاشت. اکنون باید منتظر ناآرامی‌ها در پاکستان بود.

«رابطه سازمان (ISI) یا سازمان پلیس مخفی پاکستان با سیا به قبل از جنگ افغانستان با شوروی برمی‌گردد. این سازمان بعد از استقلال پاکستان تأسیس شد و چهارچوب آن از سوی سیا و سازمان پلیس مخفی فرانسه (SDECE) طراحی و تعلیم یافت. از آن تاریخ پاکستان پیوسته «چشمها و گوشهای» آمریکا در منطقه بود. ضیاءالحق در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) مسئولیت‌های امور داخلی را نیز به این سازمان سپرد. که یک نمونه از عملیات آن از میان برداشتن حزب مردم و خانواده بوتو، بود. از آن زمان ISI نیازمند چند حزب رادیکال اسلامی بود که در زمره مهمترین و نزدیکترین متحدان طالبان و القاعده به شمار می‌آیند. اداره «امور مشترک شمال» مسؤول افغانستان است. که به هدایت طالبان، القاعده و برخی گروههای چریکی، که در کشمیر فعالیت دارند، اشتغال دارد. اکنون باید به ارایه و تحویل اطلاعات لازم و مهم به آمریکا بپردازد».

منبع فرانکفورتر روند شاو

۱۹ اکتبر - ۱۷ مهر

موضع ایران در قبال افغانستان

النهار در تاریخ ۱۷ مهر خود، در مورد موضع ایران در قبال افغانستان نوشت:

با تشکیل دولت ائتلافی در افغانستان که رابطه خوبی با ایران داشته باشد، منافع و امنیت ملی ایران تأمین خواهد شد. احداث خط لوله جهت انتقال انرژی از آسیای میانه از خاک ایران، لغو تحریمهای اقتصادی بر ضد ایران و رفع توقیف داراییهای بلوکه شده، از جمله منافع ملی ایران است که برای تحقق آنها ایران باید موضع بی طرفانه مثبت اتخاذ کند.

پافشاری روی این موضوع بنحو مضاعفی چهره اسلام را در غرب مشوش می‌کند، زیرا بعداً سرکوب شبکه «القاعده» انرژی مضاعفی می‌طلبد.

و اما در خصوص مورد سوم، یعنی آینده افغانستان نیز اختلاف نظرهای زیادی وجود داشت. هدف ایرانیان به رسمیت شناختن «ائتلاف شمال» بود. اما کشورهای دیگر مخالف بودند زیرا «ائتلاف شمال» پستوها را که چهل درصد جمعیت افغانستان را تشکیل

می‌دهد شامل نمی‌شود.

الشرق الاوسط «جهان اسلام و

تروریسم... و پیام کنفرانس دوحه»

وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی در تاریخ دهم اکتبر در قطر گرد هم آمدند که هدف از این گردهم‌آیی، هماهنگی موضع گیری‌های ۵۵ کشور عضو کنفرانس بود مسائل زیر محورهای اصل بحث و گفتگو بود:

۱- تعریف تروریسم

۲- مشخص کردن چند و چون همکاری کشورهای اسلامی با عملیات نظامی تحت رهبری ایالات متحده علیه پایگاههای تروریسم در افغانستان

۳- آینده افغانستان پس از جنگ

در مورد تعریف مشخص از تروریسم که از طرف ایران درخواست شد قدم مثبتی برداشتند زیرا بسیاری از شرکت کنندگان معتقد بودند که این امر مستلزم شناسایی اسرائیل بعنوان «دولت تروریستی» است که اعلام آن موجب انزوای بین‌المللی کشورهای اسلامی می‌شود و نیز چنین تعریفی، اسلام‌ستیزان را در تلاش برای درهم آمیختن تروریسم و اسلام به مهمات تازه‌ای مجهز می‌کند.

در مورد مسأله دوم: با در نظر گرفتن این واقعیت که برخی از کشورهای عضو پیشاپیش آمادگی خود را برای پیوستن به ائتلاف تحت رهبری آمریکا اعلام کرده بودند و از طرف دیگر سازماندهی یک اقدام نظامی علیه پایگاههای تروریسم در افغانستان تحت رهبری سازمان ملل به ماهها آماده‌سازی نیاز دارد (وزمان بسیار محدود است) هر گونه تأخیر تا قبل از سرد شدن هوا «القاعده» را تا بهار آینده بر سر قدرت نگه می‌دارد.

نگرانیهای ایران در رابطه با حمله آمریکا علیه افغانستان:

۱- استقرار درازمدت نیروهای آمریکایی در منطقه
۲- قدرت برتر آمریکا برای اقدامهای تلافی‌جویانه یک جانبه
۳- کدام کشورها را ممکن است آمریکا در آینده مورد حمله قرار دهد.

۴- تهدید مسلمانان و کشته شدن مردم بی‌گناه در این حملات.

محکومیت بن لادن و مبارزات

ضداسرائیلی

ایران نمی‌خواهد به طور علنی در مورد تصمیمات خود درباره محکومیت بن لادن اظهار نظر کند زیرا این مسأله می‌تواند تلاشهای مسلمانان را برای نامیدن اسرائیل به عنوان یک کشور تروریستی تضعیف کند.

الشرق الاوسط

۱۸ اکتبر ۲۰۰۱

«خلیج فارس مرکز توجه بوش»

جرج بوش در پی حمله به کشورهای اسلامی است و تصور می‌شود لیبی جزو این کشورها نباشد زیرا پس از حملات موشکی که به دستور ریگان به آن کشور شد، تمایل به حمایت از تروریسم در آنجا از بین رفته است. احتمالاً این حمله بیشتر متوجه سودان با حکومت اسلامگرایش باشد.

سالهاست که رژیم خارطوم جایگاه ثابتی را در فهرست تهیه شده از سوی واشنگتن در گروه کشورهای به شدت مظنون به خود اختصاص می‌دهد. بن لادن از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ در این کشور اقامت داشته است عراق نیز در صدر این فهرست قرار دارد، بمب افکنهای آمریکایی و انگلیسی در هفته‌های گذشته بار دیگر به مواضع موشکی عراق حمله کرده بودند منطقه خلیج فارس از نظر بوش، بر خلاف کلینتون در مرکز سیاست خاورمیانه‌ای واقع شده است. بوش بر عکس کلینتون درباره درگیری میان اسرائیل و فلسطینیان تاکنون چندان تعمدپذیری به خرج نداده است. جرج بوش اکنون به ائتلاف بزرگ بین‌المللی دست زده و یک دیپلماسی هوشمندانه باید، که جهان اسلام را نیز به این ائتلاف پیوند زند.

۱۸ سپتامبر - دی سایت

مراحل جنگ از نظر برژینسکی

آقای زیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران کارتر طی مقاله به «طرح جنگ سیاسی» پرداخته که خلاصه‌ای از آن عبارت است از:

آمریکا در یک جنگ جهانی گسترده درگیر شده است. در حالیکه ناگزیر باید به دو واقعیت توجه کند:

۱- تروریسم یک جنگ سیاسی است.

۲- اعتقادات دینی در این جنگ مطرح نیست. همانگونه که مبارزه بر علیه ارتش جمهوریخواه ایرلند، جنگ بر ضد «تروریسم مسیحی» نیست. این جنگ هم بر ضد «تروریسم اسلامی» نیست.

- آمریکا در این جنگ در سه مرحله واکنش نشان خواهد داد: الف: واکنش سریع ب: واکنش میان مدت ج: درازمدت

- واکنش درازمدت باید ائتلاف بین‌المللی را موجب شود تا باعث گردد: ۱- امنیت داخلی افزایش یابد ۲- حمایت سیاسی از آرمان تروریستها تضعیف شود.

- واکنش میان مدت در این مرحله، هدف، انهدام دولتهایی است که حامی تروریسم هستند. از خاورمیانه گرفته تا غرب و آمریکای شمالی.

- واکنش سریع نیز شامل اقدامات نظامی مستقیم است که آمریکا در تاریخ ۱۸ اکتبر آغاز کرد.

در مرحله واکنش درازمدت تأکید بر روی کشورهای اروپایی غربی و آمریکاست زیرا بیشتر فعالیتهای تدارکاتی تروریستی طی چند سال اخیر در این کشور انجام گرفته است.

دشواریترین مرحله واکنش درازمدت کاهش حمایت سیاسی از تروریسم است. در جنگ بر ضد تروریسم باید از بسیج نیروهای میانه‌رو بر ضد افراطیون استفاده نمود. با در نظر گرفتن این امر آمریکا باید: ۱- هر چه سریعتر به صلح میان اسرائیل و فلسطینیان دست یابد. ۲-

مبارزه قاطع با رژیم صدام حسین و سیاستهایی که به مردم لطمه وارد می‌آورد را در پیش گیرد

۳- سیاست انعطاف‌پذیرتر در قبال ایران اتخاذ نماید ۴- کمکهای سخاوتمندانه به مردم افغانستان و پاکستان ارائه دهد.

راهکارهای آمریکا باید از لحاظ نظامی بی‌رحم و بی‌امان و از لحاظ سیاسی حساس باشد.

وال استریت جورنال

۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱

ایران و راهیابی به اقتصاد جهانی

اوراق قرضه اروپایی به نام جمهوری اسلامی

ایران یک کار بی‌سابقه است.

که از طرف‌ده بانک بین‌المللی پیشنهاد شده است. و این تلاشی است برای یکپارچه کردن ایران با جامعه مالی بین‌المللی که تأثیر بسیار زیادی بر پیشبرد اصلاحات اقتصادی ایران خواهد داشت بانکدارانی که در این مسأله دخالت دارند می‌گویند، موقعیت آقای خاتمی از هنگامی که خود را آماده برخورد با مسئله خصوصی‌سازی، شرکتها و بانکها، اصلاح نرخ ارز و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و ... کرده، تقویت شده است.

هر چند آقای خاتمی با حمایت ۷۷ درصد مردم هنوز از قدرت سیاسی و اقتصادی برخوردار نیست و بیشتر وقت او صرف مصالحه بین گروههای مختلف شده اما دستاوردهای اقتصادی وی در حدی بوده که اعتماد این ده بانک بین‌المللی را جلب کند. دیون خارجی به سطح هشت میلیارد دلار کاهش یافته و تولید ناخالص واقعی داخلی در سال گذشته ۴/۵ درصد رشد را نشان می‌دهد.

کسری بودجه به یک درصد کاهش یافته است. عملکرد قوی اقتصادی ایران باعث تشویق آژانسهای اعتباری صادرات اروپا برای افزایش درجه ارزیابی خود در مورد این کشور شده است. علاوه بر آن ایران ارزیابی مستقل را از آژانس ارزیابی اعتبار آمریکا به نام استاندارد و فقر در ماه اکتبر دریافت خواهد کرد.

اوراق قرضه اروپایی پس از این ارزیابی‌ها در اکتبر امسال انتشار خواهد یافت.

غفور معمارزاده- رئیس اداره بین‌المللی بانک ملی ایران- می‌گوید: «سالها است که ایران سعی کرده به جامعه مالی بین‌المللی بپیوندد. اکنون موقعیت ارزی ایران مطلوب است و احتمال ارزیابی و قیمت‌گذاری خوب وجود دارد.»

دیولوی از آژانس خدمات سرمایه‌گذاری «مودی» مستقر در آمریکا می‌گوید: «موضوع انتشار اوراق قرضه روند ویژه برای هر کشوری که جایگاه خود را در اقتصاد جهانی مشخص کند می‌باشد.

نقل به مضمون از مجله مید ۲۰۰۱

۳۰ شهریور ۱۳۸۰

«کابوسهای وحشتناکتر از تروریسم»

دان پلش پژوهشگر ارشد بررسی‌های دفاعی در مؤسسه «روبال یونایتد سرویس» طی مقاله‌ای در گاردین: به نقد سیاستهای استراتژیک بوش می‌پردازد و می‌نویسد: تاکنون آمریکا مقادیر هنگفتی سرمایه و اراده سیاسی را صرف مبارزه با تروریسم کرده و اکنون نه تنها این سیاست شکست‌مehیبی خورده بلکه تمام سیاست امنیتی غرب که به نیروهای واکنش سریع استوار بوده نیز با شکست مواجه شده است.

غرب باید سیاست خارجی خود و سیاست دفاعی جدیدش را بر پیشگیری داخلی و پیشگیری بین‌المللی متمرکز کند.

پیشگیری درمان قطعی نیست اما در سالهای اخیر کاملاً به فراموشی سپرده شده است.

کابوسهای وحشتناکتر دیگری وجود دارد که می‌توانیم از آن پیشگیری کنیم.

۱- نیروگاههای هسته‌ای آسیب‌پذیر که پر از تشعشعات است.

۲- وابستگی شدید کشورهای غربی به نفت و صرف هزینه‌های هنگفت برای پیاده کردن نیروهای نظامی بخاطر به جریان انداختن نفت.

۳- مشغولیت ذهنی آمریکا به سیستم «جنگ ستارگان» مانع از آن شده که تلاشهایی به منظور کاهش یا نابودی تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی انجام دهد. جنگ هسته‌ای، بزرگترین هراسی است که باید از آن پیشگیری کنیم.

پیشنهاد این است که هزینه‌هایی که برای دفاع ضد موشکی می‌شود برای مقابله با کشورهای شرور (ایران- عراق- لیبی- سودان) صرف بازرسی و تعدیل و اصلاح سلاحها شود. زیرا این کشورها موشکهایی که دارند مربوط به دوره نازیهاست و فقط با نام‌های دهان پرکن و جدید اما در واقع همان موشکهای وی-۲ (۲-2) (۷) نازیهاست و هیچ نیازی به این موشکهای مدرن نیست.

- باید آمریکا از انزوا درآمده و با جهانیان ارتباط بیشتری داشته باشد و از تکروری و قانون شکنی بپرهیزد.

- حاکمیت قانون در جهان در اولویت قرار گیرد. نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی بازگشت به قرون وسطی است.

گاردین ۲۵ سپتامبر
منبع: ایندپیندنت-۲۵ سپتامبر
«آمریکا، تروریسم خوب و بد»
رابرفیسک طی مقاله‌ای در ۲۵ سپتامبر در ایندپیندنت به اهداف مبارزه ضد تروریست آمریکا می‌پردازد و می‌نویسد: «اهداف این جنگ همان اندازه غلط‌انداز است که محرمانه نیز هست». وی با آوردن کدهایی می‌نویسد: آمریکا بدنبال دشمنان خود است نه تروریست‌ها. اما همانطور که می‌بینیم آمریکا آنها بدنبال دشمنان تروریست خود هستند نه دوستان

عامل کشتار	محل و میزان کشته‌شدگان
شارون	هزار و هشتصد نفر در صبرا و شتیلا سال ۱۹۸۲ برابر با ۱/۴ کشته‌شدگان ۱۱ سپتامبر
در فعت اسد «برادر حافظ اسد»	بیست هزار نفر در «هما» واقع در سوریه پیش از دو برابر واقعه سپتامبر
افسران اسرائیلی ...	هفده هزار و پانصد نفر در لبنان به سال ۱۹۸۲، بیش از سه برابر کشته‌شدگان ۱۱ سپتامبر

تروریست، که بیشتر آنها در آمریکا براحتی زندگی می‌کنند.

فساد در قراردادهای ثانویه نفتی است.

علی‌هاشمی- از معاونان سابق وزیر نفت- می‌گوید: اگر فساد وجود داشته باشد، در قراردادهای ثانوی باید آن را جستجو کرد.

الشرق الاوسط- ۹ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۸ تیر ۱۳۸۰

قدرت‌نمایی محافظه‌کاران

- محمدجواد لاریجانی در سمینار لندن که اواسط تیر ماه طرف شرکت نفتی «بریتیش پترولیوم» برگزار شد تلاش کرد که به شنوندگان انگلیسی تفهیم کند که گرچه آقای خاتمی از حمایت ۲۵ میلیون ایرانی در داخل و از اعتبار در خارج بهره‌مند است ولی قدرت واقعی در دست محافظه‌کاران است که می‌توانند مشکلات کشور را حل کنند و زمینه رابطه ایران با آمریکا را به وجود آورند.

الشرق الاوسط ۹ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۸ تیر ۱۳۸۰

پوتین: شروع اصلاحات از قوه قضائیه

حساس‌ترین نکته در راه اصلاحات که به رهبری پوتین پیش می‌رود، «اصلاح قوه قضائیه» است. در نظام کنونی قضایی، دادستانها و قضات غلام حلقه به گوش رهبران سیاسی و سردمداران امور تجاری هستند. به عقیده بسیاری از تحلیلگران بدون بازنگری در این بخش، اصلاحات در زمینه‌های دیگر معنا نخواهد داشت.

نقل از واشنگتن پست ۷ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۶ تیر ۱۳۸۰

نقش تحریمها در مبارزه با مواد مخدر
«آنتونوما ترتیلی» مسئول آژانس مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل در تهران اظهار داشت: ایران امروز ۸۰ درصد تولید تریاک و ۴۵ درصد مرفین و هروئین را توقیف می‌کند اما ابزار کافی در دسترس ندارند. تحریم، مانع از این می‌شود تا بتواند رادار و دوربین‌های نسل سوم را خریداری کند. در حالیکه قاچاقچیان از تلفن‌های ماهواره‌ای برخوردار هستند، خلبانان ایران با هلیکوپترهای شوروی متعلق به سالهای دهه ۷۰ پرواز می‌کنند.

نقل از پانوراما از ایتالیا ۸ ژوئن ۲۰۰۱
جاده ابریشم و ترانزیت مواد مخدر
معضل اعتیاد متأثر از شرایط معینی رشد می‌کند که بیشتر دست مسؤولین و رهبران حکومتی فراهم می‌گردد.

در مورد ایران عامل منطقه‌ای نیز نقش مؤثری دارد که ایران در منطقه «هلال ماه طلایی» در میانه حمل مواد مخدر از افغانستان و پاکستان به بازارهای اروپا و کشورهای عربی واقع شده است.

نقل از ایزوستیا محل نشر روسیه
۳۰ ژوئن ۲۰۰۱
۹ تیر ۱۳۸۰

ناآرامیها و دموکراسی

بعضی از تحلیلگران معتقدند که یک جناح از قدرتمندان عملاً ناآرامیها و آشوبهای بربرها را در الجزایر موجب شده‌اند، تا بدین طریق وعده‌های بوتلیقا برای دموکراسی و آزادی به فراموشی سپرده شود و نقش ارتش در

حفظ نظم جلوه‌گر گردد.

تایم ۲ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۱ تیر ۱۳۸۰

کشت دوباره حشیش

کشت دوباره حشیش در مزارع لبنان در شهر هرمل پس از انهدام مزارع تریاک توسط دولت در سال ۱۹۹۴ مجدداً از سر گرفته شده است. ایندپیندنت ۱ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۰ تیر ۱۳۸۰

امید به بازگشت

گاردین طی تحلیلی که در رابطه با مرگ لیلای پهلوی در غربت در مورد مردم ایران کرده می‌نویسد: در حالیکه ایرانیان در داخل در آرزوی ترک کشور هستند، ایرانیان خارج از کشور در غم دوری از وطن افسرده شده‌اند و امید بازگشت به ایران را در سر می‌پروراند و هر گروه به دیگری غبطه می‌خورد.

گاردین ۱۳ ژوئن ۲۰۰۱
۲۳ خرداد ۱۳۸۰

مبارزه دو غول بزرگ خاورمیانه

در حالیکه اکثر مطبوعات جهان معتقدند خط اسرائیل ایجاد شکاف بین آمریکا و ایران است، نشریه کریستین ساینس مانیتور می‌نویسد: در واشنگتن تلاش می‌کنند، دو غول بزرگ خاورمیانه، یعنی اسرائیل و ایران را به جان هم بیندازند.

کریستین ساینس مانیتور- ۱۱ خرداد ۱۳۸۰

اسرائیل و امنیت منطقه

الاهرام طی تحلیلی (در شماره بتاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۰۱) اسرائیل را تهدیدکننده اصلی منطقه و مخل امنیت خاورمیانه خواند و نه هیچ کشوری دیگر.

۴ ژوئیه ۲۰۰۱
۱۳ تیر ۱۳۸۰

بحران برتری طلبی در آمریکا

غرب موفقیت تجربه «اسلامی» اصلاحات در ایران و یا در هر نقطه دیگر را علی‌الخصوص اگر رهبریت آنرا شخصی مستقل به عهده داشته باشد، شکست ادعای برتری خود به حساب می‌آورد. حرکت‌های اخیر ایران، جهان غرب را در تصورات تاریخی‌اش از جهان اسلام، دچار

یک بحران کرده‌است.

الوطن از کویت ۱۶ ژوئن ۲۰۰۱

۲۶ خرداد ۱۳۸۰

ریشه تروریسم

الاهرام تنها راه برای مقابله با تروریسم و ریشه کن کردن آن را برگزاری یک مجمع عمومی با هدف امضای توافقنامه فراگیر برای مقابله با تروریسم در سازمان ملل می‌داند. و می‌نویسد: ابتدا بایستی انواع تروریسم از هم تفکیک شود، ۱- تروریسم سازمانی ۲- فردی ۳- دولتی، که در دولت اسرائیل متبلور است. بنظر نویسنده سه عامل اصلی در بوجود آمدن تروریسم مؤثر است.

۱- احساس ظلم و مظلومیت که تدریجاً به اعتراض و سرکشی و اقدام خشونت بار تبدیل می‌شود.

۲- اتخاذ سیاست یک بام و دوهوا در حق کشورها و ملتها که به تبعیض می‌انجامد.

۳- نبود عدالت و عمیق تر شدن فاصله طبقاتی میان فقرا و ثروتمندان.

الاهرام ۱۹ سپتامبر

هم پیمانان آمریکا در منطقه

تمام کشورهایی که طالبان را به رسمیت شناختند اکنون هم پیمانان آمریکا برای سرکوب طالبان شدند؛ پاکستان، عربستان، امارات، ترکمنستان.

نقل به مضمون از اشپینگل ۱۶ سپتامبر

جرج بوش با عبارت و سلاح خود دشمن

وارد صحنه نبرد شده است

جرج بوش کلانتر، در زادگاهش تگزاس، فتوای تگزاسی صادر کرد و گفت: بن لادن، مرده، یا زنده، آنچه را که می‌شنویم قلدری رزمی مشروب فروشیهای غرب وحشی، به دنبال بی‌قانونیهای خون آشام شرقی است. غافل از اینکه حکومت کردن بر انسانها و نه تنها بر تگزاسیها، ابتدا سنجیدن کلمات است و این که نباید از خود کوتاه بینی نشان داد.

نقل از لوموند ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱

۲۸ شهریور ۱۳۸۰

مسابقه دو بدون خط پایان

کارشناسان اسرائیلی می‌گویند: آمریکا فقط با عملیات اطلاعاتی و امنیتی تیزهوشانه و

صبورانه از پس تروریسم برمی‌آید، برخورد نظامی با تروریسم روند منفعلانه‌ای دارد و کارشناسی از پنتاگون می‌گوید: «امر یأس آور مبارزه با تروریسم این است که به مسابقه دویی شبیه است که فقط «خط پایانی» وجود ندارد.»

نقل به مضمون از دی‌ولت ۱۸ سپتامبر

۲۷ شهریور

فرافکنی آمریکا

واقعیت این است که کشاکشهای سیاسی و اجتماعی در آمریکا شدت یافته و گروههای تندرو ساز و کارهای سیاسی موجود چون احزاب و انتخابات را ساز و کارهایی مناسب برای تغییر اوضاع نمی‌بینند و طبقه میلیاردرهای فرمانروا بر ثروتهای این کشور افسانه‌ای نمی‌خواهد دموکراسی راستینی را در کشور روا کند که به طبقات و گروههای به بردگی کشیده شده اجازه می‌دهد در تصمیمات سیاسی و توزیع ثروت تأثیر گذارند. تلاش عجولانه مقامات در متهم کردن نیروهای خارجی خود بخشی از برنامه‌هایشان بود که از زیر سؤال بردن ارکان نظام جلوگیری کنند.

الخلیج: ۱۴ سپتامبر

کشور طالبان در یکی از خطرناکترین

مناطق اتمی جهان قرار دارد

پاکستان، هندوستان، چین، روسیه دارای بیشترین سلاح اتمی جهان می‌باشند. طبق گفته تحلیلگران آمریکایی هندوستان ۳۷۰ کیلو پلوتونیوم را که برای ساختن ۷۵ سلاح هسته‌ای کافی است، در برابر تولیدی معادل ۲۷۰ کیلو اورانیوم از سوی پاکستان انبار کرده است. که با آن می‌توان ۱۲ بمب اتمی را تسلیح کرد.

طبق داده‌های کنگره آمریکا در سال ۱۳۷۳ پاکستان ۹ درصد تولید ناخالص ملی و هندوستان ۵ درصد تولید ناخالص ملی را در امر تقویت تسلیحات خود هزینه کرده‌اند.

نویسنده: لوئیس پرادرس-ال پائیس

۱۶ سپتامبر

دوستان و دشمنان واقعی آمریکا

«گاردین» در تاریخ ۱۸ سپتامبر جرج بوش را برای کسب ائتلاف بین‌المللی بخصوص در مورد ایران، پاکستان، روسیه و اسرائیل به

تجدیدنظر در طرز تفکرش در مورد جهان دعوت می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که ایران: که آمریکا آن را دشمن سرسخت خود می‌داند برخورد بسیار خوب و غیرمنتظره‌ای با حوادث سپتامبر کرد و از طرفی این کشور از درگیریهای آنارشیستی در مرزهای شرقی و داخل افغانستان و پناهندگی افغانها ضررهای زیادی متحمل شده و هرگز طالبان را به رسمیت نشناخته (به دلایل گوناگون). شهردار تهران و اصفهان نیز با شهردار نیویورک ابراز همدردی کردند.

پاکستان، که با حکومت مشرف روز بروز منزوی تر می‌شود بشدت حامی مبارزان کشمیری بوده در حالیکه آمریکا با شدت و حدت به جانب هند دشمن سنتی و قدیمی پاکستان متمایل شده است. سفر اخیر وزیر خارجه پاکستان به آمریکا برای کسب یک کمک مالی که کشورش شدیداً به آن نیاز داشت، بی‌نتیجه ماند. نیروهای بنیادگرای طالبان هم در داخل پاکستان قدرت پیدا کردند. روسیه به هیچ عنوان نمی‌خواهد که آمریکا یا ناتو در حیط خلوت آسیای میانه این کشور حضور داشته باشد. از طرف دیگر روسیه به شدت به آمریکا بدبین است و این بخاطر مواضع خصمانه بوش در مورد آسیا و روسیه است.

گسترده‌ترین تغییر در دیدگاه آمریکا، نسبت به درگیری اعراب و اسرائیل باید بوجود آید. از زمان بوجود آمدن این بحران، شارون از بهره‌برداری از آن کوتاه‌نکرده است. وتوی مذاکرات صلح، حمله به داخل مناطق فلسطینی، تحمیل مناطق نظامی، نشان داد که شارون مهره «محبوبی» نبود.

آمریکا باید در مورد دوستان و دشمنانش تجدیدنظر کند.

چالشهای جدید آمریکا

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی کمونیسم، تحلیلگران سیاسی آمریکا سؤال می‌کنند که امنیت ملی آمریکا با چه مشکلاتی و تهدیدهایی مواجه است؟ سه دیدگاه در پاسخ به این سؤال وجود دارد.

۱- ائتلاف چین با اسلام

۲- روسیه با انبوهی از سلاحهای هسته‌ای،

پس از سامان دادن به وضعیت اقتصادی آشفته خود.

۳- جنبشهای سیاسی تروریستی و برخی کشورهای حامی این جنبشها.

حوادث ۱۱ سپتامبر این نظریه را تأیید کرد. برآستی آمریکا برای مقابله با این تهدید چه خواهد کرد؟

ویژگیهای استراتژی جدید آمریکا برای مقابله با این پدیده در سه بعد مشخص می شود: ۱- بعد سیاسی که در ایجاد بستر بین المللی مناسب برای مبارزه با تروریسم در سطح جهانی نمودار است.

۲- بعد اطلاعات که در استراتژی جدید آمریکا بویژه در برخورد با جنبشهای تروریستی اطلاعات نقش مؤثری ایفا خواهد کرد. بهترین راه در این جنگ درازمدت کشف و خنثی کردن عملیات این گروهها و دستگیری عوامل، قبل از اجرای این گونه طرحهاست. این امر تنها با افزایش افراد فعال در دستگاههای اطلاعاتی برای نفوذ در بین گروههای تروریستی مقدور است. (تکیه بر عوامل انسانی بجای تکیه بر تکنولوژی)

۳- اهمیت نقش نظامی نیز هنگام نیاز به درهم کوبیدن پایگاهها و مراکز جنبشهای تروریستی و ضربه زدن به کشورهای حامی تروریسم نیز زیاد است.

آمریکا برای اجرای این طرحها به هیچ گونه حمایت نظامی نیاز ندارد. اما به مشروعیت سیاسی بین المللی (اروپایی، آسیایی، روسی، اسلامی) و همینطور تسهیلات لجستیکی پاکستان، ترکیه و جمهوریهای آسیای میانه و هم پیمانان ناتو نیازمند است.

الشرق الاوسط

۱۸ سپتامبر

گرایش شاهزاده عبدالله به فلسطین و

آراء مردم عرب

عربستان در ائتلاف مبارزه علیه تروریسم شرکت کرده اما از اینکه بر علیه یک کشور اسلامی از خاک کشورش در عملیات نظامی استفاده شود حساسیت دارد. از طرفی از تهدیدهای بن لادن علیه حکومت سلطنتی نیز بیمناک است.

مسائل دیگری که باعث رنج عربستانیهاست میانجیگری آمریکا در مناقشه اعراب و اسرائیل و عملیات آمریکاییها علیه عراق است که باعث رنج غیرنظامیان شده و احساسات بسیاری از اعراب را برانگیخته است. لذا کارشناسان اشاره می کنند که دیپلماسی سعودی نیز، آن طور که پنتاگون تصور می کند به آمریکا گرایش ندارد. شاهزاده عبدالله نیز سیاستش بیشتر به برنامه اصلی اعراب مبتنی و شامل: الف: توجه بیشتر به آرمان فلسطینیها ب: کاهش رنج که یک دهه تحریم بر عراق وارد آورده است، می باشد.

نویسنده: پاتریک تایلر نیویورک تایمز

۲۴ سپتامبر

تهران نگران، نقش جامع تری برای اجرا دارد.

فرد هالیدی که استاد روابط بین المللی در دانشکده اقتصاد لندن است، کتاب تازه ای تحت عنوان «دو ساعتی که جهان را تکان داد و علل و عواقب آن» نوشته است. وی طی مقاله ای در «آبزرور» بتاريخ ۲۱ اکتبر- ۲۹ مهر ۱۳۸۰ به نقش ایران در منطقه پرداخته و می نویسد:

از نظر تاریخی، ایران قبل و بعد از استقلال افغانستان در دهه ۱۷۴۰، قدرت حاکم در این کشور بوده است.

در قرن نوزدهم انگلستان، روسیه و ایران بر سر شهر هرات با یکدیگر درگیر بودند. پیمان ۱۸۵۷ پاریس که هنوز هم قابل اجراست به جنگ ایران و انگلیس پایان داد. ماده هفت این پیمان به ایران اجازه می دهد که در صورت تهدید شدن مرزهایش، نیروهایش را وارد خاک افغانستان کند.

ایران در خلال دهه ۱۹۸۰ از چریکهای مجاهد طرفدار ایران در جنگ علیه شوروی حمایت می کرد که بعداً هم از آن ابراز پشیمانی کرد.

بعد از سقوط کمونیستها در سال ۱۹۹۲ یک دولت طرفدار ایران در افغانستان روی کار آمد اما همزمان با نهضت طالبان و باکمک پاکستان و حمایتهای بی دریغ عربستان در سال ۱۹۹۶ این دولت سقوط کرد و طالبان مسلط شدند.

در حال حاضر ایران به دلیل امنیت و ثبات منطقه نگران پیامدهای این عملیات می باشد، ایران از طریق میانجیها و مذاکرات خواستههای خود را مطرح کرده است. ایران مایل نیست تسهیلات نظامی در اختیار این کشور بگذارد و با توجه به دسترسی فعلی آمریکا به پاکستان و آسیای میانه، این کار به هیچ عنوان لازم نیست. ایران قول مساعد در چهار مورد را نیز داده است؛

۱- مرزهایش را بسته تا بن لادن و اعضای شبکه القاعده قادر نباشند به آن سمت بگریزند. ۲- هر فرد نظامی که مجبور به فرود در ایران شود جان او را حفظ کرده و او را عودت دهند.

۳- به اتحاد شمال گوشزد کرده که از دستور و فرمان آمریکائیان اطاعت کنند.

۴- برای برپایی یک ائتلاف گسترده در کابل با آنها همکاری کرده و با بازگشت ظاهر شاه مخالفت نکند.

ایران هم نگران پاکستان و قابلیتهای هسته ای این کشور و بی ثباتی داخلی آن است، هم نگران صلح آسیای میانه. اکنون باید شاهد حضور نیروهای آمریکایی علاوه بر جنوب غربی در جنوب شرقی و آسیای میانه نیز باشد، باید به این نگرانیها، موردی را که هیچ کس نمی تواند کار چندان برای آن بکند نیز افزود و آن، ممانعت و سنگ اندازی درازمدت و بی ثباتی داخلی عربستان سعودی در صلح و ثبات منطقه است.

در هر حال ایران کارتهایی برای بازی در دست دارد: اگر چه این کشور نمی تواند تصمیم گیرنده باشد، اما نمی توان بدون حضور ایران معضل افغانستان را - همانند خلیج فارس و لبنان- حل کرد.

«جهانی سازی همراه عدالت و آزادی»

گفتگوی اکسپرس با پرفسور باربر

ریشه یابی حوادث سپتامبر

باربر که استاد دانشگاه است روابط نزدیکی با بیل کلینتون دارد. شش سال پیش در یک اثر پیشگویانه با عنوان «جهاد در برابر مک ورلد» به این موضوع پرداخته بود که بنیادگرایی دینی و سرمایه داری غربی دو روی جهان بدون مرزند

که در مناقشه‌ای مدته‌ش‌رود در روی هم قرار می‌گیرند که عواقب آن جهانی خواهد بود. پس از ۱۱ سپتامبر طی مصاحبه‌ای با هفته‌نامه فرانسوی اکسپرس به بیان نقطه نظرات خویش پرداخته و در بخشی از آن می‌گوید: «بنیادگرایان با مهارت از تمام آنچه دموکراسی ما را شکل می‌دهد، بهره‌برده‌اند: فضای باز، تساهل و شفافیت. مثل هنرهای رزمی، آنها از قدرت حریف برای شکست وی استفاده کرده‌اند. بدون تکنولوژی، بدون دموکراسی و بدون مدرنیته این حمله ممکن نبود. مغز تروریست‌ها به دنیای مدرن و روحشان به گذشته تعلق دارد.

به‌وی‌گفته می‌شود: با وجود این آمریکا یک جامعه، عمیقاً مذهبی است و جرج بوش حتی از «جنگ صلیبی» و از «نبرد خیر و شر» سخن می‌گوید که نسبتی با واژگان جهاد و [بنیادگرایی] دارد.

او پاسخ می‌دهد: اعضای کنگره هم نجوا سردادند که «خدا آمریکا را حفظ کند» واقعیت این است که آمریکا با فاصله زیادی مذهبی‌ترین و غیرسکولارترین جامعه غرب است. اما تروریست‌ها از این موضوع غافلند. اگر آنها را به تروریست‌ها بگوئیم، باور نمی‌کنند. آنها واقعاً از آمریکا چه می‌دانند؟ شهرهای بزرگ، فرودگاه‌ها، فروشگاه‌ها... و آنها نمی‌دانند که آمریکایی‌ها به کلیسا می‌روند و خدا را پرستش می‌کند.

سؤال می‌شود: جایگاه مناقشه‌خاورمیانه در فاجعه‌اخیر کجاست؟

ج: باید بگوئیم اسرائیل با اصرار احمقانه بر ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین، با شرکت نکردن در توسعه همه‌جانبه فلسطین و به واسطه شهروند درجه دوم انگاشتن اعراب اسرائیلی، سهم مهمی در هر بسترسازی فعالیت تروریسم داشته‌است واقعیت این است که تروریسم به پذیرفته شدن از سوی اطرافیان و نزدیکانش نیازمند است.

وی در مورد رشد آمریکا‌ستیزی در کشورهای غربی بویژه فرانسه نیز می‌گوید: ما آمریکایی‌ها در رشد و فراگیری این احساس نقش داشته‌ایم سیاست متکبرانانه و یک‌سو‌نگر،

امتناع از شرکت در پیمان‌های بین‌المللی، ترک یونسکو، نپرداختن حق‌السهم سازمان ملل و... همه و همه در افزایش بیزاری از آمریکا در جهان مؤثر افتاده‌است. اکنون همه چیز به توانایی ما برای مشارکت در جامعه جهانی بستگی دارد.

سؤال می‌شود که نظر شما در مورد اینکه مرتب به آمریکایی‌ها گفته می‌شود هیچ چیز از این پس مثل گذشته نخواهد بود و... چیست؟

ج: انترناسیونالیسم از این پس تنها در صدور محصولات مان به دیگر نقاط جهان نیست، بلکه بدین معناست که ما مرزهای محافظت شده نداریم و این پایان آمریکایی نفوذناپذیر است.

ما مدتها با افسانه آسیب‌ناپذیر بودن زندگی کرده‌ایم و همواره بر این باور بودیم که دو اقیانوس پیرامون ما محافظ ماست. دفاع ضد موشکی هم بسان اقیانوس دیگری تصور می‌شد، که فضای کشورمان را پوشش می‌دهد. اما از این پس هیچ فرد آمریکایی فکر نخواهد کرد که در خانه‌اش ایمن است.

وی در مورد نحوه برخورد با تروریسم می‌گوید: شاید مجبور شدیم جامعه باز خودمان را به روی برخی ورودی‌ها ببندیم، حقوق مدنی را محدود کنیم، دسترسی اعراب به هواپیماها را منع نماییم و اعراب آمریکایی را دستگیر کنیم. طی جنگ‌های داخلی آمریکا، آبراهام لینکن برخی جنوبی‌ها را که مظنون به نقض آزادی بودند تحت فشار گذاشت. طی جنگ جهانی دوم نیز ژاپنی‌های آمریکا در اردوگاه‌ها نگهداری می‌شدند، همه این کارها را می‌توان انجام داد اما سرنوشت دموکراسی چه می‌شود؟ آمریکا شاید مجبور شود به یک جراحی اساسی دست بزند و همه تومورهای تروریسم در جهان را بخشکاند، اما ما باید به هر حال راه‌حلی قوی و در عین حال سنجیده برای مقابله با تروریسم پیدا کنیم. طوری که ارزشهای بنیادین ما را نقض نکند.

اما در جهان درهم‌تنیده امروز تروریسم مثل ویروس نیل (Nil) است: نمی‌توان آن را با جراحی از میان برداشت. پس چه باید کرد؟ پاسخ را باید در بازار جستجو کرد: کاپیتال‌سیسم

یک نظام اقتصادی کارآمد است، اما ابزار برای زندگی در کنار هم نیست. تنها راه ادامه مسیر دیوار کشیدن به دور خودمان و محصور کردن خودمان با اقیانوسها هم نیست. شاید راه حل این معضل یافتن شیوه‌های جدید همکاری قوی و تنگاتنگ و یافتن هنجارها، ارزشها و نهادهای مشترک برای برقراری نوعی، قانونمندی دموکراتیک بین‌المللی باشد.

امروز زمان کنار کشیدن از روند جهانی سازی نیست، بلکه زمان دموکراتیزه کردن جهانی سازی و عادلانه تر کردن آن است.

اگر رؤیای پیشگامان این بود که کار و کسب خودمان را انجام دهیم و به دیگران کاری نداشته باشیم یا از آنها غافل باشیم، باید بگوئیم این رؤیا مرده است اما اگر رؤیای پیشگامان آمریکا ایجاد جهانی امن، متنوع، جهانی متکی بر ارزشهای دموکراتیک، عدالت جو و ملهم از آزادی‌های مطرح شده از سوی آبراهام لینکن و مارتین لوتر کینگ باشد، باید بگوئیم این رؤیا هنوز زنده است. تکنولوژی ما را از شر تروریسم نجات نخواهد داد.

قدرت نظامی هم همینطور. همان رؤیای قدیمی دموکراسی می‌تواند تنها روزه امید و تنها سلاح ما برای حرکت به سوی آینده باشد، اگر همین امروز از این سلاح استفاده نکنیم باید فاتحه خودمان را بخوانیم. در هر حال سرنوشت جهان و سرنوشت آمریکا یکی است. ما با هم زندگی می‌کنیم و با هم می‌میریم.

چگونه شد که افغانها آدمهای بدی

شدند؟!

از وال استریت جورنال چاپ آمریکا به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱ نویسنده: نانسی دی ولف اسمیت.

این مقاله: به مکانیزم روی برتافتن مردم افغان از آمریکا می‌پردازد. که رئوس مطالب آن را در اینجا می‌آوریم:

چگونه این تغییر رخ داد؟ ده سال پیش افغانها به علت تهور و شهامت‌هایی که در مقابل شوروی از خود نشان دادند مورد تحسین جهانیان قرار گرفتند ولی امروز مردمی منفور و حامی تروریسم تلقی می‌گردند. حس همدردی

گذشته جای خود را به نفرت داده است. چرا؟ این که چگونه حسابها غلط از کار درآمد، پرسش مهمی است.

بن لادن را چه بکشند و چه دستگیر کنند، طالبان همچنان بر سرکار خواهند بود و مجموعه‌ای از بازیگران یک جنگ داخلی که از سوی کشورهای همجوار، پاکستان، روسیه و ایران تغذیه می‌شوند نیز حضور خواهند داشت. تنها یک راه حل است که می‌تواند افغانستان را به کشوری تبدیل کند که خطر آن متوجه هیچکس نباشد و آن این که افغانها را سرانجام در انتخاب دولت خویش آزاد بگذارند. تجربه دولت طالبان نشان داد که دخالت خارجی در این سرزمین تا چه حد می‌تواند مخاطره آمیز باشد. طالبان تولیدجانبی، جنگ داخلی بودند که به دنبال سقوط کمونیسم در افغانستان قدرت یافت و به حمایت پاکستان در مقابل رژیم‌هایی که از حمایت روسیه، ایران و هند برخوردار بود، پا گرفت. اما پاکستان می‌پنداشت که این نیروی متشکل از طلبه‌های دینی هیچگاه از جایی ورای پاکستان الهام نخواهد گرفت. ولی افغانستان برای گروه اسلام‌گرایان بین‌المللی نیز جاذبه پیدا کرد که این کشور را به نخستین مرکز دولتی برای انقلاب در کل جهان تبدیل سازند.

از تجربه گذشته باید بیاموزیم که در انتخاب متحدان خود محتاط باشیم. شرکای ما انگیزه‌های متفاوتی دارند. بن لادن توسط سیا آموزش دید و مسلح گردید و به صحنه افغانستان آورده شد و آمریکا فکرمی کرد مسلمانان همواره متحدانی راهبردی خواهند بود، که چنین نشد. ما برای زمانی که شوروی از آنجا برود برنامه‌ریزی نکردیم و رادیکالهای عرب و غیره را به حال خودرها کردیم تا تفنگهای خویش را به سوی ما نشانه روند.

– بعضی کشورهای عربی نیز به انگیزه دور کردن رادیکالهایشان از مرکز حکومت و فرستادن آنها به کام مرگ در افغانستان دلخوش بودند و به آمریکا قول همکاری دادند. – به روسیه پیشنهاد شد که از آمریکا در اقدام علیه افغانستان حمایت کند. روسیه نیز که خود وحشت و نگرانی ناشی از اسلام‌گرایان را به

بدون تکنولوژی، بدون دموکراسی و بدون مدرنیته این حمله ممکن نبود. مغز تروریست‌ها به دنیای مدرن و روحشان به گذشته تعلق دارد.

عنوان مانعی جهت بازگرداندن اعمار گذشته خود به مدار سلطه خویش داشت، قول مساعد داد.

میوه زهر آلود این همکاری همانا حمایت مشترک روس و آمریکا از تحریمهای سازمان ملل علیه افغانستان طالبان بود. این عمل نه رهبران طالبان بلکه افغانهای عادی را تحت تأثیر قرارداد و در زیر فشار تحریمهای آمریکا و روسیه خانواده‌های بیشتری دچار هلاکت شدند و برخی که در همکاری با طالبان در تردید بودند به فکر روی برتافتن از اربابان خود افتادند و رادیکالیزه شدند.

بنابراین اگر بازهم آمریکا از افغانستان فاصله بگیرد گروه تازه‌ای از آدمهای بد غالب می‌شوند. روسیه و ایران ائتلاف شمال را معرفی می‌کنند که در دوره کوتاه حکومتشان، با ندانم کاری‌های منجر به خونریزی، افغانها را به آغوش طالبان سپردند. تنها یک جایگزین وجود دارد. افغانها که طی دوران جنگ طولانی روابط قبیله‌ای خود را حفظ کرده‌اند در نهادی به نام «لویا جرگه» می‌توانند دست به دست هم دهند و بازسازی یک افغانستان بی طرف و صلح‌آمیز را آغاز نمایند. این امر در صورتی امکان پذیر است که کشور از حضور بیگانگان خالی گردد.

مبادا «سراب مادرید» تکرار شود

حسین هیکل برجسته‌ترین روزنامه نگار جهان عرب در مصاحبه‌ای با گاردین چاپ لندن در رابطه با حمله آمریکا به افغانستان نقطه نظرات روشنگرانه‌ای ارائه داد که خلاصه‌ای از آن را اینجا می‌آوریم.

وقتی می‌شنوم بوش در مورد «القاعده» چگونه صحبت می‌کند خنده‌ام می‌گیرد. بن لادن سالها است تحت نظر است. تمام تلفنهای او شنود می‌شده و مأموران امنیتی آمریکایی، پاکستانی، عربستانی و مصری در سازمان القاعده نفوذ کرده‌اند. اعضای این سازمان نمی‌توانستند عملیات این چنین پیچیده‌ای را مخفی نگاه دارند. معاون بن لادن «ایمن الظواهری» نیز متفکر یا برنامه ریز بزرگی نیست. آنها غریزی عمل می‌کنند مانند حماس و اخوان المسلمین نیستند. این روزنامه نگار پرسابقه ادامه می‌دهد: من چنین فکرمی‌کنم که دولت آمریکا نیاز داشت برای ساکت کردن خشم مردم آمریکا، بلافاصله دشمنی را هدف حملات خود قرار دهد.

وی می‌گوید: آمریکاییها از دموکراسی دم می‌زنند ولی آنرا نادیده می‌گیرند.

در همان حال از رژیمهای غیر دموکراتیک حمایت می‌کنند، براستی تهوع برانگیز است. آنها از مشروعیت بین‌المللی سخن به میان می‌آورند و آنگاه از آنچه که اسراییلی‌ها انجام می‌دهند دفاع می‌کنند.

به اعتقاد وی مسأله اساسی که در پشت سر همه مسائل دیگر قرار دارد مسأله فلسطین است که به صورت مزمن درآمده است.

او به نرمش کنونی آمریکا در مقابل مسأله فلسطین اعتقاد ندارد و یادآوری می‌شود: ۱۰ سال پیش زمانی که قرار بود به عراق حمله شود، نیز وعده‌های مشابهی به سران کشورهای عرب داده شد و همه آنها برای بحث و گفتگو در مادرید گرد آمدند. جالب اینکه همین گروه حاکم کنونی در آن زمان فعال بودند: یعنی دیک چنی، کالین پاول جورج بوش پدر، اما چیزی تغییر نیافته است. آنان که بخشی از این ماجرا بودند، شاگردان خوبی نبودند و درس خود را خوب نیاموختند. ما از اشتباهات خود درس نمی‌گیریم. بنابراین محکوم به تکرار خطا هستیم.

تلخیص شده از نروروز ۲۱ مهر ۱۳۸۰

نه، عدل، تو این یکی دیگه فکر نمی کنم غذا باشه!



غذا اینهم یک پرچم برای سوزاندن

ایالات متحده
کمکهای غذایی برای پاکستان



هنوز زنده ایم؟



"HONEY, I'M GOING TO GET THE MAIL."



وحشت سیاه زخم

عزیزم، من می خوام برم
نامه هارو تحویل بگیرم.



بمب هوشمند:
بیخشدیم زاحم شدم! می خواستم بدونم شما مردی بنام
بن لادن رو همراه افراد شرورش در این اطراف ندیدین؟